

مطالعه ویژگی‌های هنرمند دردوگانه‌های شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا بر اساس منظومه خسرو و شیرین

[P Commented ۱]: مقاله به ویژگی‌های هنرمندان پرداخته نه «ویژگی‌های هنرمندانه» زیرا این عبارت حتی می‌تواند مخاطب را به اشتباه افکنده ذهن او را متوجه بلاغت و کلا هنرنمایی‌های ادبی سازد به هر روی عنوان مقاله گویای موضوع نیست و مبهم است

[U Commented ۱]: اصلاح شد

چکیده:

[P Commented ۲]: مسئله اصلی پژوهش بیان شود نیزحتما موارد ذیل درج شود:
ارزش و اهمیت پژوهش، ضرورت تحقیق، مهم‌ترین پرسش تحقیق و مهم‌ترین فرضیه،

[U Commented ۳]: اضافه شد

[P Commented ۵]: این توضیحات مناسب مقدمه است نه چکیده تمام این مطلب در یک سطر خلاصه شود.

[U Commented ۵R۶]: در یک سطر خلاصه شد.

نظامی در منظومه خسرو و شیرین از چهار هنرمند دربار خسرو (شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا) نام برده و جایگاه آن‌ها را موثر و ویژه می‌داند. هدف از انجام این پژوهش تحلیل جایگاه چهار هنرمند نام‌برده در منظومه خسرو و شیرین

است. ضرورت انجام پژوهش در شناسایی مولفه‌های مربوط به هنرمندان دوره شاعر و نگاه آن دوره به هنرمندان بوده

است. ویژگی‌های هنرمندانه شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا در منظومه خسرو و شیرین نظامی کدامند؟ به نظر می‌رسد

مولفه‌هایی مانند دقت و مهارت در طراحی و ترسیم هنرهای دیداری و برانگیختن احساسات مخاطبان از جمله

ویژگی‌های هنری هنرمندان نام برده شده در منظومه خسرو و شیرین است. روش انجام تحقیق توصیفی-تحلیلی

است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده است. جامعه هدف پژوهش، ابیات مربوط به منظومه مذکور است.

ابیات به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که شاپور و فرهاد در حوزه تجسمی

و با مهارت و استادی بارها به کمک خسرو و شیرین آمدند. هر دو شاگرد یک استاد بودند. شاپور نقاش و فرهاد

پیکرتراش بودند. هر دو واقع‌گرا بودند. اما باربد و نکیسا موسیقی می‌دانستند. یکی در نواختن چنگ و دیگری در

بربط سرآمد نوازندگان دوره خود بودند. هر دو با الحان ابداعی و خلاقانه بارها حالات و روحیات مخاطبان را تحت

تاثیر قرار دادند.

واژگان کلیدی: منظومه خسرو و شیرین، هنرمند، شاپور، فرهاد، باربد، نکیسا

مقدمه:

[P VCommented]: در مقدمه تمام مواردی که در چکیده می‌بایست ذکر شود (به جر برآیند تحقیق) این‌جا نیز با بیانی دیگر درج شود؛

مسئله تحقیق، ضرورت تحقیق، ارزش و اهمیت تحقیق، مهم‌ترین پرسش‌ها تحقیق و مهم‌ترین فرضیه‌ها

[U VRACommented]: اصلاح شد

[P 9Commented]: رساله‌هایشان پیش‌تر

[P Commented] • []: سه‌گانه‌ها

اندیشمندان حوزه هنر و یا فیلسوفان هنر در سپهر تفکر شرقی و غربی در متونی به جایگاه هنرمند اشاره کرده و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. افلاطون، ارسطو، تا حدودی متالهان مسیحی، متفکران رنسانس، رمانتیک‌های آلمانی، هایدگر، ملاصدرا، شیرازی و تعدادی از شاعران حکیم به این مسئله پرداخته‌اند. در آرای این فیلسوفان، حکیمان و شارحان و شاعران، هنرمند محور تولید هنر معرفی شده است. در متون منظوم و شعری ادبیات پارسی نیز تا حدودی این مسئله دیده می‌شود متفکران و اندیشمندان حوزه هنر، به ویژه افرادی که هنر را با زمینه فلسفی و حکمی نگریسته‌اند، در نوشته‌ها و رساله‌هایشان بیشتر بر سه اصل و محور متمرکز شده‌اند. دسته‌ای از متفکران اثر هنری را به عنوان اصل مهم سه‌گانه‌های هنرمند، مخاطب و اثر هنری و عده‌ای دیگر هنرمند را سرچشمه‌ی خلق اثر و راس مهم این سه‌گانه و گروهی دیگر مخاطب را به‌عنوان مهم‌ترین بخش سه‌گانه در نظر گرفته‌اند. به‌طوری‌که نظریات‌شان با یکی از این سه‌گانه‌ها بیشتر گره خورده است. اما در این بین و با توجه به آرای فلاسفه غربی و حکمای شرقی (ایرانی و غیر ایرانی) عقاید متمرکز شده بر محور هنرمند به‌عنوان اصل و سرمنشا خلق اثر بیشتر از دو محور دیگر در نوشته‌های متفکران به چشم می‌خورد. حکما و عرفای ایرانی نیز با اعتقاد به اهمیت اصل خلقت و آفرینش و آفریدگار آن، خالق و مبدع را مهم‌تر از دیگر عناصر پذیرفته‌اند و از آن یاد کرده‌اند. در دوران جدید نیز منتقدان آثار هنری با به وجود آوردن رویکردهای مختلف نقد بیشتر به سمت محور هنرمند و مولف گرایش داشته‌اند. به‌طور مثال نقدهایی چون: نقد تذکره نویسان به‌طور خاص و انواع دیگر نقد مانند نقد جامعه‌شناسانه، نقد روان‌شناسانه، نقد ژورنالیستی، نقد آموزشی، نقد اکسپرسیونیستی، نقد فمینیستی، نقد پسااستعماری، به‌طور عام و در اشتراک با اثر هنری و مخاطب رویکردی هنرمندمحور دارند. گاهی در منظومه‌های شاعران بزرگ ایران نام هنرمندانی دیده می‌شود که در جریان روایت و یا حکایت از ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاصی برخوردارند. نظامی گنجوی (شاعر پارسی‌گوی قرن ششم هجری شمسی) نیز در اشعار خود چه در ساخت بناها و چه در تولید اثر هنری دیداری و شنیداری نام هنرمندان را بارها ذکر کرده است. به‌طور مثال او در منظومه‌ی خسرو و شیرین نام چهار هنرمند را ذکر می‌کند که دو تن از آن‌ها در حوزه‌های هنرهای دیداری (نقاشی و مجسمه‌سازی) و دو تن دیگر در شاخه‌ی هنرهای شنیداری (موسیقی) فعالیت داشته‌اند. هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل جایگاه چهار هنرمند نام‌برده در منظومه خسرو و شیرین است و مولفه‌های هنرمندانه آن‌هاست. ضرورت انجام پژوهش در شناسایی مولفه‌های مربوط به هنرمندان دوره شاعر و نگاه آن دوره به هنرمندان بوده است. ویژگی‌های هنرمندانه شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا در منظومه خسرو و شیرین

نظامی کدامند؟ به نظر می‌رسد مولفه‌هایی مانند دقت و مهارت در طراحی و ترسیم هنرهای دیداری و برانگیختن احساسات مخاطبان از جمله ویژگی‌های هنری هنرمندان نام برده شده در منظومه خسرو و شیرین است.

این مقاله نیز به دنبال این است که به سوالات زیر پاسخ دهد.

اول. ویژگی‌های هنرمندانه شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا در منظومه خسرو و شیرین نظامی کدامند؟ و دوم: چه وجه تشابه و تفاوتی بین ویژگی‌های هنرمندانه این چهار هنرمند وجود دارد؟ فرضیه‌ها: به نظر می‌رسد مولفه‌هایی مانند دقت و مهارت در طراحی و ترسیم هنرهای دیداری و برانگیختن احساسات مخاطبان از جمله ویژگی‌های هنری هنرمندان نام برده شده در منظومه خسرو و شیرین است. به نظر می‌رسد شاپور نقاش مصلحت‌اندیش و فرهاد احساساتی با خلق هنر برخورد می‌کنند؛ باربد و نکیسا نیز دریاری اما هر کدام دارای الحان و سازهای مستقل هستند.

پیشینه پژوهش:

در برخی متون گذشتگان برخی اصطلاحات تخصصی هنر مورد توجه قرار گرفته است. پیوند بین فلسفه و هنر، حکمت و هنر، عرفان و هنر، متون ادبی عرفانی و هنر در آرای شارحان، منتقدان و نظریه‌پردازان معاصر نیز دیده شده است. برخی شارحان معاصر بر اساس همان متون منظوم و منثور بزرگان حکمت، شعر و ادب پارسی ارتباط بین این واژگان و اصطلاحات را مورد تحلیل قرار داده‌اند که می‌توان این مباحث را در برخی از مقالات علمی و کتاب‌ها به صورت زیر نقد و بررسی کرد.

بلسر (2003) در کتاب چهار رویکرد نقد نوشته شده است که منتقدین تاریخی/بیوگرافی، آثار ادبی را به‌عنوان انعکاسی از زندگی و دوران نویسنده می‌بینند. آن‌ها معتقدند که شناختن نویسنده و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره او برای درک کامل و درست کارش ضروری است. این نوع نقد بر این مسئله پافشاری می‌کند که برای فهمیدن هر قسمت از ادبیات باید بیوگرافی نویسنده و پیشینه اجتماعی‌اش و روند اعتقاداتش در زمان ایجاد اثر شناخته شود. این نوع نقد به مولف / هنرمند اشاره دارد که در واقع وجه تشابه آن را با مقاله حاضر از نظر ساختار نشان می‌دهد. لامارک (2008) در مقاله‌ای با عنوان "زیبایی‌شناسی و ادبیات: رابطه‌ای پر مشکل؟" مسئله فلاسفه هنر را قرار دادن ادبیات با زیبایی‌شناسی در یک حوزه می‌داند. این مقاله دیدگاه خاصی را برای تشخیص عمل‌کرد اثر از مکانیسم تولیدی اثر هنری که توسط هرگونه ابزار مانند ابزار و فناوری جدید است مشخص می‌کند. وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهش لامارک در نوع نگاه محتوایی آن است. مقاله حاضر با هدف بررسی ویژگی هنرمند است و مقاله لامارک به اثر اشاره دارد. ریتز (2002) در مقاله اخلاق زیبایی‌شناسی دید از منظر متن {ادبی} و ارتباط بین زیبایی، ارزش اخلاقی و ابزار هنری را مشخص می‌کند. ریتز نیز به نقد و بررسی متن و اثر می‌پردازد و مقاله حاضر به هنرمند. کمالی زاده (۱۳۹۲)

[P Commented ۱۱]: فرضیه‌های این پرسش‌ها نیز نوشته شود

[U Commented ۱۲ R ۱]: نوشته شد

[P Commented ۱۳]: برای ذکر پیشینه ابتدا نام و نام خانوادگی پژوهشگر و داخل پرانتز سال انتشار مقاله/کتاب و بعد عنوان اثر او درج شو و وجه مشابهت و مفارقت آن اثر با کار خودتان را بنویسید.

برای اصلاح پیشینه مقاله خود چند نمونه از مقالات چاپ شده در مجلات علمی را بررسی بفرمایید تمام پیشینه اصلاح شود

[U Commented ۱۴ R ۱]: اصلاح شد

Commented [P15]: شبیه درج ارجاع درون‌متنی صحیح نیست
به پیشینه چند مقاله چاپ شده مراجعه بفرمایید

Commented [U15R16]: اصلاح شد

در کتاب مبانی حکمی هنر و زیبایی از دیدگاه سهروردی می‌نویسد: هنرمند از طریق مراقبه و مجاهده است که می‌تواند آن بصیرت فرشته‌خو را که تمامی هنرهای قدسی است به دست آورد. یک اثر هنری ثمره سیر و سلوک هنرمند است در عالم معنا و حقایق در آن عالم. رویکرد تحلیلی مقاله حاضر و کتاب کمالی زاده در یک راستا هستند.

در بحث جمع‌بندی منابع مروری و پیشینه پژوهش می‌توان گفت حکیمان و عارفان ایرانی در برخی نوشته‌های منظوم و منثور خود به اصطلاحات و واژگان مرتبط به هنر و هنرمند اشاره کرده‌اند. گاهی این اشارات برخاسته از روایات و واقعیات و یا داستان‌هایی است که در دوره آن‌ها وجود داشته است. حکیمان و عارفان ایرانی ضمن نقل این حکایات ویژگی‌های مورد نظر هنرمند را نیز بیان کرده‌اند.

روش تحقیق:

نوع تحقیق از نظر هدف نظری است. روش انجام پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که با ابزار شناسه‌برداری اطلاعات مورد نظر گردآوری شده است. جامعه آماری ابیات و مصراع‌های مرتبط با منظومه خسرو و شیرین نظامی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز کیفی است. روند پژوهش به این صورت بوده است که ابتدا تمامی ابیات مندرج در منظومه خسرو و شیرین با هدف شناسایی ویژگی‌های هنرمندانه و خلاقانه دوگانه شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا استخراج و سپس کدگذاری شده‌اند. ابیات مرتبط به‌صورت تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد مضمونی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

چارچوب نظری:

در رویکردی که نگاه فیلسوفان، حکیمان و منتقدان بیشتر به سوی هنرمند‌گرایی دارد، توان‌مندی، استعداد و مهارت و خلاقیت هنرمند در خلق و تولید اثر مورد توجه است. زندگی و حالات شخصی هنرمند، جنسیت و حالات روانی هنرمند نیز می‌تواند مداخلی برای ورود به این شاخه از نظریه‌پردازی باشد. به هنرمند به‌عنوان نخبه و نابغه زمان خود، به‌عنوان خالق، مبدع و متفکر نگریسته می‌شود. اندیشمندان رنسانس و رمانتیک‌های آلمانی اثر هنری را زاینده نبوغ هنرمند می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند هنرمند هم اهل نبوغ و شهود است و هم ابزارساز. نبوغ فراتر از تجربه زیسته هنرمند است. نبوغ با خواست و اراده کاری ندارد. هایدگر نیز معتقد بود هنرمند سرچشمه اثر است و اثر سرچشمه هنرمند. معنای اثر همچون رازی نزد هنرمند است و گاهی هنرمند آن را در اثر آشکار می‌کند. هنرمند فاعلی است که دست به خلق اثر می‌زند و اثر هنری بدون هنرمند معنا ندارد. هنرمند به اثر تحقق می‌بخشد. اوست که به ماده خام با ایده و مهارت شکل و فرم می‌دهد و به آن معنا می‌بخشد. هنرمند علاوه بر صورت‌سازی به معناسازی نیز می‌پردازد. ابراهیمی دینانی (۱۳۹۴) خلق هنر را برداشتن فاصله میان سوژه و ایده می‌داند و آن را اتحاد عالم ذهن و جهان عین با یکدیگر برمی‌شمارد. او می‌نویسد که در هنر واقعی نه تنها ذهن و عین با هم هم‌راه و هماهنگ می‌شوند، بلکه همه

قوا و نیروهای درونی و بیرونی انسان نیز هماهنگ می‌شود. سیسرو از فرم‌های موجود در ذهن هنرمند با عنوان ایده یاد می‌کرد. البته او نظریه و واژه ایده را از افلاطون که او را استاد و نویسنده بزرگ می‌نامید و نیز از آکادمی افلاطون و به‌ویژه از استادش آنتیوخوس گرفته بود. (تاتارکیه ویچ، ۱۳۹۲: ۴۱۹). این جملات ایده و خلاقیت فکری هنرمند بر مهارتش در خلق و تولید اثر غلبه دارد. در واقع جایی که هنرمند به کمک قوه خیال خود ایده را در درک و دریافت و آن را به عالم ماده منتقل می‌کند. هنرمند در مرحله درون‌تابی و با کمک تخیل نقوش را در ذهن خود تصویرسازی کرده و سپس در مرحله برون‌تابی آن را به عالم ماده منتقل می‌کند.

فهیمی‌فر (۱۳۸۶) کار هنری را از نظر افلاطون نشأت گرفته از تخیل، احساسات و انگیزه‌های عاطفی می‌داند. افلاطون معتقد است که اثر هنری توسط و با تقلید از آنچه که خود تقلیدی از عالم دیگر است تولید می‌شود و تولید شعری نیز ناشی از الهام و جذبیه هنرمند از خدایگان هنر (موزینگان) است. پس از افلاطون، ارسطو نیز سرچشمه اثر هنری را در سازنده آن جستجو می‌کرد. از نظر ارسطو خلق اثر هنری سازندگی است. فعلی که از سازنده اثر سر می‌زند.

در فلسفه اسلامی قدیم، هنرمند را صانع دانسته‌اند و اثر هنری را صدور صنعت از نفس صانع. فردی دارای ایده، فکر، خلاقیت، شعور، اهل ابداع، آفرینش، خلق و تولید به‌عنوان صانع معرفی شده است. تی.اس.الیوت مولف را خالق اثر می‌شناسد و نقش او را در خلق اثر پررنگ تر می‌داند. الیوت از مولف می‌خواهد که هیجان را در خود حل کند تا ساختارهای ادبی‌اش را به بهترین وجهی شکل بگیرند. (فضیلت، ۱۳۹۶: ۲۵)

از دیدگاه عرفانی و دینی انسان هنرمند است؛ زیرا به‌صورت خداوند خلق شده است. او مظهر اسمای حسنی الهی است. معنی "علم آدم الاسماء کلها" نیز همین است؛ یعنی خداوند همه اسما را به انسان آموخته است. انسان دارای قوه آفرینندگی است که بر مبنای آن به خلق و آفرینش می‌پردازد و بهترین نمونه آن هنر است. هنر مظهر آفرینندگی و خلاقیت است. (اعوانی، ۱۳۷۵: ۳۲۸) این دیدگاه در آرای حکمایی چون ملاصدرا و ابن عربی نیز وجود دارد. اندیشمندان و متفکران طرفدار نظریه هنرمند/مولف محور، هنرمند را به‌عنوان خالق اثر می‌ستایند و وجود اثر هنری را به وجود او وابسته می‌دانند.

در بحث مربوط به حکمت و عرفان نیز این مسئله بسیار اهمیت دارد. چرا که جایگاه خالق بسیار مهم تر از جایگاه مخلوق است و نقش خداوند در خلقت جهان و موجودات جایگاهی است انکارناپذیر.

هنرمندان برای شاعری چون نظامی نیز اهمیت ویژه‌ای داشتند. نظامی گنجوی شاعر روایت‌پردازی که خود خالق و هنرمند است و جایگاه و قدر و منزلت هنر و هنرمند را می‌داند در داستان خسرو و شیرین، چهار هنرمند ناب دربار کیخسرو را معرفی و توصیف می‌کند. شاخصه‌ها و ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها را جداگانه مشخص کرده و در نهایت به صورت هنرمندان دوگانه‌ی دبداری و شنیداری بیان می‌کند.

[P Commented ۱۷]: درج این نام با درج آن در منابع پایانی مغایرت دارد

[U Commented ۱۷R۱۸]: اصلاح شد

[P Commented ۱۹]: نقل‌قول‌ها به هم پیوسته شده و سهم نویسنده کپرنگ است اصلاح شود

[U Commented ۱۹R۲۰]: اصلاح شد

[P Commented ۲۱]: ارجاع درون‌متنی و نیز منابع پایانی

[U Commented ۲۱R۲۲]: برداشت از منبع است

[P Commented ۲۲]: پس از اتمام چارچوب نظری تحقیق، بحث و بررسی مقاله است عنوان بزنید:

بحث و بررسی
اکنون با عناوین مرتبط بحث را انسجام دهید الان ناگهان مقاله پرش کرده است به دوگانه شاپور / فرهاد

بحث و بررسی:

[23824Commented [P]: انجام شد

الف. دوگانه شاپور / فرهاد

طبق ابیات منظومه خسرو و شیرین، شاپور و فرهاد در دوره ولیعهدی و شاهنشاهی کیخسرو می‌زیسته‌اند و به خلق اثر می‌پرداخته‌اند. هر دو در چین نزد یک استاد مشق هنر کرده‌اند و شاپور نقاش و تصویرگر شده است و فرهاد پیکره‌ساز و سنگ‌تراش. بنابراین هر دو در زمره هنرمندان دیداری (تجسمی) تلقی می‌شده‌اند.

که ما هر دو به چین هم‌زاد بودیم	دو شاگرد از یکی استاد بودی
چو هر مایه که بود از پیشه برداشت	قلم بر من فکند او تیشه برداشت

(نظامی، ۱۳۹۰: ۱۹۳)

[25Commented [P]: تمامی ابیات داخل جدول قرار بگیرد

[25826Commented [U]: انجام شد

این جمله از زبان شاپور نقاش نقل شده است که نشان‌دهنده هم‌درس بودنش با فرهاد در چین و نقاش شدنش و حجار شدن فرهاد است.	بر اساس متن منظومه خسرو و شیرین شاپور و فرهاد دو هنرمند دوره خسرو نزد یک استاد و در سرزمین چین آموزش دیده بودند. هر دو در شاخه تجسمی چیره‌دست شدند؛ اما یکی از آن‌ها نقاش و دیگری سنگ‌تراش شد.
--	--

[37Commented [P]: مقصودتان را به‌درستی شرح دهید و تحلیل و استدلال بفرمایید. شواهد مثال در تمام مقاله بر اساس مورد ادعای پژوهش، تحلیل و تبیین شود

[27828Commented [U]: انجام شد

خلاصه روایت شخصیت شاپور در منظومه خسرو و شیرین:

شاپور در زمان ولیعهدی خسرو، مشاور و ندیم خاص او بوده است. خسرو بعد از این‌که عاشق شیرین می‌شود برای به دست آوردنش به شاپور متوسل می‌شود. شاپور است که تصویر خسرو را ترسیم کرده و نزدیک محل تفریح شیرین بر درختی نصب می‌کند. هم‌اوست که شیرین را تشویق می‌کند به رفتن نزد خسرو. در واقع در داستان عاشقی خسرو و شیرین، شاپور نقش مشاور دوطرفه را بازی می‌کند.

ویژگی‌های شاپور:

ندیمی خاص بودش نام شاپور	جهان گشته ز مغرب تا لاهور
ز نقاشی به مانی مژده داد	به رسامی در اقلیدس گشاده

(همان: ۱۱۸)

ابیات بالا به این موضوع اشاره دارند که شاپور ندیم خاص کیخسرو بوده است و از مغرب تا لاهور را گشته و مردی جهان‌دیده است. در نقاشی همانند مانی است.

مانی، پیامبر ایرانی را با تصویرسازی‌هایش می‌شناسند. مانی در کتاب ارتنگ به شیوه‌ی نقاشی‌های اشکانی است. تصاویر خود را در راستای تبلیغ دین به تصویر کشیده است.

قلم‌زن چابکی صورت‌گری چست که بی‌کلک از خیالش نقش می‌رست
چنان در لطف بودی آبدستی که بر آب از لطافت نقش بستی

(همان : ۱۱۹)

در رسامی به اقلیدس می‌رسد. هنرمندی سریع در خلق و آفرینش تصاویر و اهل تحلیل هنرمندانه و در خلق اثر لطیف و ظریف.

نظامی در ابیات بالا هنرمندی را به تصویر می‌کشد که در طراحی و نقاشی هم‌اورد مانی است. مهارتش در ترسیم الگوی طبیعی و یا سرمدی قابل ستایش است. نقاشی که در ظرافت و لطافت طرح‌هایش بی‌مانند است. مانند مانی (پیامبر ایرانی و صاحب ارژنگ) که نظامی در بخش ۴۴ شرف‌نامه و در مناظره‌ی نقاشان رومیان و چینیان از او یاد می‌کند و وی را در خلق تصاویر واقع‌گرا می‌ستاید و زبردست می‌داند.

شنیدم که مانی به صورت‌گری ز ری سوی چین شد به پیغمبری
برآورد کلکی به آیین و زیب رقم زد بر آن حوض مانی فریب

(همان : ۷۷۴)

حکایت از این قرار است که مانی صورت‌گر برای ترویج دینش راهی سرزمین چین می‌شود و چینیان پس از آگاهی از آمدن او سر راهش برکه آبی نقاشی می‌کنند. مانی خسته از راه و تشنه، کوزه را برای برداشتن آب به تصویر برکه می‌زند و کوزه سفالین می‌شکند.

نگارید از آن کلک فرمان‌پذیر سگی مرده بر روی آن آبگیر
درو کرم جوشنده بیش از قیاس کزو تشنه را در دل آمد هراس
ز بس جادویی‌های فرهنگ او بدو بگرویدند و ارژنگ او

(همان : ۷۷۴)

مانی پس از فهمیدن موضوع، قلم را برداشته و تصویر لاشه‌ی کرم‌زده‌ی سگی را بر برکه نقاشی می‌کند و چینیان به قدرت او پی می‌برند و به ارژنگ می‌گرایند. این حکایت در واقع نمایش قدرت تصویرگری چینیان و مانی نقاش است که مانی را پیروز میدان می‌کند. نظامی قدرت تصویرگری مانی را به رخ می‌کشد و از جادوی قلم نقاشیش می‌نویسد. شاپور در منظومه‌ی خسرو و شیرین به مانند مانی دیگری معرفی می‌شود. همان‌طور که گفته شد منظور از قدرت تصویرگری واقعیت را تصویر کردن است. در مصرع بعد شاپور با اقلیدس و اصول او قیاس شده است. در ریاضیات اقلیدسی معیارهای عینی زیبایی مانند تناسب، تعادل و توازن مطرح است. شاپور در ترسیم استاد فنی است که اقلیدس در هندسه و ریاضی آن را بیان کرده است.

[P Commented ۳۹]: اصول ارجاعات درون‌متنی را رعایت
بفرمایید
تکرار نمی‌شود:
(همان: ۱۱۹)
تمام مقاله از این نظر اصلاح شود

[U Commented ۲۹۸۲]: اصلاح شود

[P Commented ۳۱]: حداقل بعد از دو بیت ارجاع درون‌متنی درج
شود بعد تحلیل بنویسید و آنگاه سراغ ادامه ابیات بروید

[U Commented ۲۱۸۲۲]: انجام شد

نکته‌ی مهم بعدی بحث خیال است که نظامی به آن اشاره می‌کند. قوه خیال نزد فارابی قدرت تجزیه و تحلیل تصاویر را برعهده دارد. خیال عنصر اساسی خلق هنر در سپهر تفکر شرق است. هنرمند باید اهل تخیل باشد. نقوش به واسطه قوه‌ی متخیله هنرمند درک و دریافت می‌شوند و سپس به کمک ماده‌ی خام و توسط هنرمند به عالم ماده می‌رسند و خلق می‌شوند. در این‌جا شاپور دارای قوه‌ی خیال معرفی شده است. در بیت بعدی نیز لطافت در تولید آثار ذکر می‌شود.

نظامی در حکایت "نمودن شاپور صورت خسرو را بار اول" این‌گونه می‌سراید:

خجسته کاغذی بگرفت در دست	به‌عینه صورت خسرو در او بست
بر آن صورت چو صنعت کرد لختی	بدو سنانید بر شاخ درختی

(همان: ۱۲۴)

بار دیگر به مهارت شاپور در ترسیم واقع‌گرایانه و عین به عین موضوع اشاره می‌شود.

خلاصه روایت شخصیت فرهاد در منظومه خسرو و شیرین:

پس از این‌که شیرین تصمیم می‌گیرد سرزمین ارمن را ترک کند خود را به خسرو نزدیک‌تر می‌کند. با مشورت و دستور شاپور منطقه‌ای به او اختصاص داده می‌شود. فرهاد که پیکره‌ساز است به دستور شیرین مأموریت ساخت جوی شیر و قسمتی از بنا را به عهده می‌گیرد. فرهاد پس از دیدار با شیرین سخت عاشق و دل‌باخته‌ی او می‌شود و تمام فکر و ذکرش در هنگام کار دیدار دوباره‌ی معشوق و یا رسیدن به اوست. فرهاد در قسمت دیگری از داستان به دستور خسرو به تراش و خلق پیکره‌های خسرو و شیرین و شب‌دیز مشغول می‌شود.

ویژگی‌های فرهاد:

که هست اینجا مهندس مردی استاد	جوانی نام او فرزانه فرهاد
به وقت هندسه عبرت‌نمایی	مجسطی‌دان و اقلیدس‌گشایی
به تیشه چون سر صنعت بخارد	زمین را مرغ برماهی نگارد
به پیشه دست بوسندش همه روم	به تیشه سنگ خارا را کند موم

(همان: ۱۹۲)

نظامی در این ابیات شاپور پیکر تراش را اهل فضل و دانش و هندسه معرفی می‌کند که در ترسیم دقیق پیکره‌ها (الگوها) و آثارش از اصول و قوانین هندسی و هماهنگی مطابق اصل استفاده می‌کند. در واقع رعایت همان الگوهای زیبایی‌شناسی عینی بار دیگر به مخاطب تذکر داده می‌شود.

هنرمندی که جامع‌الاطراف است و به علوم مختلف ریاضی، هندسه و ستاره‌شناسی تسلط دارد. ترسیم نقوش و طرح‌های سنتی نیز این اصول به کار گرفته می‌شود. هنرمندان ایرانی در خلق و تولید بسیاری از هنرها، معماری، فرش، صنایع‌دستی، تولید هنرهای سنتی، کاشی‌کاری و ... از این اصول پیروی می‌کردند و آثارشان بر اساس الگوهای ترسیم فنی (ریاضی و هندسه) بوده است. در این‌جا شاعر خصوصیات هنرمندی را بیان می‌کند که در پیکرتراشی و حجاری سرآمد دوران است. مسلط است به علوم و دانش‌های مورد نیازی که یک هنرمند نابغه و جامع‌الاطراف باید آن‌ها را بداند.

در ابیاتی دیگر روایت دستور کیخسرو به فرهاد برای نقش‌زدن تصویر خودش و شیرین (شاهزاده ارمنی) و چگونگی شروع کار فرهاد این گونه بیان می‌شود.

نخست آزرَم این کرسی نگه داشت	بر او تمثال‌های نغز بنگاشت
به تیشه صورت شیرین بر آن سنگ	چنان بر زد که مانی نقش ارژنگ
پس آنگه از سنان تیشه تیز	گزارش کرد شکل شاه و شب‌دیز

(همان : ۲۰۰)

فرهاد پس از دریافت دستور شاه ایران تیشه را برداشته و پیکر شیرین و فرهاد و اسب شیرین را بر کوه بیستون می‌تراشد؛ البته

پس از به جا آوردن حرمت آن مکان. نظامی در این‌جا نیز فرهاد را به مانی تشبیه می‌کند و این تشبیه یعنی اوج هنرمندی فرهاد.

جدول مقایسه ویژگی‌های شاپور و فرهاد در منظومه خسرو و شیرین

به نظر می‌رسد که بر اساس ابیات جامعه هدف بتوان ویژگی‌های دو هنرمند تجسمی مورد نظر را در جدولی به صورت زیر تحلیل کرد. ویژگی‌هایی که این دو هنرمند هم در آن وجه اشتراک دارند و هم وجه افتراق.

شاپور	فرهاد
نزد استادی در چین آموزش دیده بود.	نزد همان استاد شاپور در چین آموزش دیده بود.
مشاور کیخسرو از زمان ولی‌عهدی تا شاهنشاهی	عاشق شیرین (شاهزاده ارمنی)
نقاش (هنرمند تجسمی)	پیکرتراش (هنرمند تجسمی)

جهان‌دیده و اهل سفر	فرزانه و مأخوذ به حیا
به مانی تشبیه شده است.	به مانی تشبیه شده است.
خلق اثر طبق الگوی واقعی (واقع گرا)	خلق اثر طبق الگوی واقعی (واقع گرا)
در ترسیم به اقلیدس قیاس شده است.	در طراحی به اقلیدس قیاس شده است.
رعایت اصول زیبایی‌شناسی بر پایه ریاضی و هندسه (معیارهای عینی)	رعایت اصول زیبایی‌شناسی بر پایه ریاضی و هندسه (معیارهای عینی)
سرعت در خلق اثر	قدرت و سرعت در خلق اثر
ظرافت در خلق اثر	حرفه‌ای بودن در خلق اثر

همان‌طور که مشاهده می‌شود وجوه تشابه بین شاپور و فرهاد، در هم‌شاگردی بودن نزد یک استاد چینی، شبیه دانسته شدن به مانی نقاش، هنرمندان واقع‌گرا، تشابه به اقلیدس و سرعت در طراحی و تولید اثر هنری و رعایت اصول زیبایی‌شناسی عینی با محوریت نسبت‌های هندسی و ریاضی دانسته شده است. وجوه تفاوت آن‌ها در این منظومه نیز به این صورت بیان شده است؛ شاپور، نقاش ولی فرهاد، پیکر تراش (سنگ تراش) است. شاپور مشاور کیخسرو و فرهاد عاشق شیرین (معشوق کیخسرو) است. شاپور، جهان‌دیده و فرهاد، فرزانه است. هر دو هنرمند تجسمی، یگانه دوران‌شان هستند و بنابراین توسط شاه به‌عنوان هنرمندان دربار برای خلق و تولید اثر به کار گرفته می‌شوند.

ب. دوگانه باربد/نکیسا

اما دو هنرمند دیگری که در همین منظومه نامشان ذکر می‌شود باربد و نکیسا هستند. دو هنرمند موسیقی‌دانی که در مجالس کیخسرو بارها آوای ساز و آوازشان احساسات و عواطف شاه و اطرافیان را تحت تاثیر قرار داده بود. نوازندگانی چیره‌دست که با اجرای دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقایی حاضران را شگفت زده می‌کردند.

خلاصه روایت شخصیت باربد در منظومه خسرو و شیرین:

باربد یکی از هنرمندان تاثیرگذار موسیقی دوره‌ی ساسانی و از نوازندگان منسوب به دربار کیخسرو است. از باربد بارها در متون مختلف مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی نام برده شده است. در این منظومه باربد باز هم صاحب سی لحن معرفی می‌شود که هر کدام از سی لحن، معنا و مفهوم خاصی را به مخاطب منتقل می‌کرده است. در یکی از مجالس خسرو شاه ایران و در حضور شیرین و خاصان دربار نگاه رد و بدل شده (به‌عنوان درخواست) بین خسرو و باربد و شیرین

ویژگی های باربد

درآمد باربد چون بلبل مست	گرفته بربطی چون آب در دست
ز صد داستان که او را بود در ساز	گزیده کرد سی لحن خوش آواز
ز بی لحنی بدان سی لحن چون نوش	گهی دل دادی و گه بستدی هوش

(همان : ۱۸۲)

کیخسرو پس از نوشیدن باده از دست ساقی و با یاد آوردن عشق قدیمی اش شیرین باربد را طلب می کند و از او می خواهد که با نوای موسیقی این درد دوری و فراق را درمان کند. باربد که به تعداد زیادی از الحان و گوشه های موسیقی اشراف داشت، سی لحن را مناسب آن حال و هوا تشخیص می دهد و سپس با بربط آنها را می نوازد.

به بربط چون سر زخمه درآورد	ز رود خشک بانگ تر درآورد
نواهایی بدین سان رامش انگیز	همی زد باربد در پرده تیز

(همان : ۱۸۲)

الحان طوری تنظیم شده اند که گاهی حس طرب و گاهی حزن را در مخاطب بر می انگیزند. این ابیات نشان دهنده تسلط باربد به ساز و آواهای موسیقایی بوده است. در مجلسی دیگر مجدداً از باربد خواسته می شود که برای کیخسرو بنوازد.

نشسته باربد بربط گرفته	جهان را چون فلک در خط گرفته
به دستان دوستان را کیسه پرداز	به زخمه زخم دل ها را شفا ساز
ز دود دل گره بر عود می زد	که عودش بانگ بر داوود می زد

(همان: ۲۵۵)

نظامی بار دیگر در ابیات بالا مهارت و استادی باربد را نمایان می سازد. نوازندگی باربد موجب شفا ی زخم دل ها دانسته می شود و صدای برخاسته از عودش با آواز داوود (ع) مقایسه می شود.

همان نغمه دماغش در جرس داشت	که موسیقار عیسی در نفس داشت
چو بر زخمه فکند ابریشم ساز	در آورد آفرینش را به آواز

(همان : ۲۵۵)

در مصرعی دیگر نغمات باربدی همانند نفس مسیح (ع) دانسته می شود. نوازنده هر بار که زخمه بر سیم می زند و عود می نوازد داستان آفرینش را بازگو می کند.

خلاصه روایت شخصیت نکيسا در منظومه خسرو و شيرين:

نکيسا در موسيقي و رامشگري عهد ساساني شهره بوده است. او را سازنده موسيقي ملي آن دوره مي دانند. نکيسا ساز چنگ مي نواخت و ترانه مي سرود. او را در منظومه خسرو و شيرين نظامي در کنار و همراه باريد مي بينيم. سرود خسرواني محصول مشترک اين دو هنرمند در دربار خسرو است. در مجالس مختلف شاه ساساني اين دو هنرمند مکمل و هم تراز معرفي مي شوند.

ويژگي هاي نکيسا

بلافاصله در ادامه همين داستان نام نوازنده ديگري (نکيسا) مطرح مي شود که هم پای باريد است.

نکيسا نام مردی بود چنگی	ندیمی خاص امیری سخت سنگی
کز او خوشگوتری در لحن آواز	ندید این چنگ پشت ارغنون ساز
ز رود آواز موزون او برآورد	غنا را رسم تقطیع او در آورد

(همان: ۲۵۵)

در ابیات بالا نکيسا هم نوازنده و آوازه خوان معرفي شده است. هنرمندی که در نواختن ساز چنگ و آواز همتا ندارد. در اين جا باز هم اشارات به اصطلاحاتی است که بار معنایی زیبایی شناختی عینی دارند؛ کلماتی مانند موزون و رسم تقطیع در ابیات مذکور اشاره ای است به رعایت وزن و هماهنگی و ریتم در ساز و آواز که نکيسا اين کار را به استادی تمام می دانسته و انجام می داده است.

نواهایی چنان چالاک می زد	که مرغ از درد پر بر خاک می زد
چنان بر ساختی الحان موزون	که زهره چرخ میزد گرد گردون
جز او کافزون شمرد از زهره خود را	ندادی یاری کس باريد را

(همان، ۲۵۵)

ابیات بالا مهارت و ستادی نکيسا را در نواختن دستگاه های موسیقایی نشان می دهد. شاعر در توصیف نوازندگی نکيسا

اغراق می کند و صدای ساز او را مایه گردش سیاره زهره به دور کیهان می داند. همين مهارت است که نکيسا

را هماورد و يا در کنار باريد قرار می دهد.

در آن مجلس که عیش آغاز کردند	به یک جا چنگ و بربط ساز کردند
ستای باربد دستان همی زد	به هشیاری ره مستان همی زد
نکیسا چنگ را خوش کرده آغاز	فکنده ارغنون را زخمه بر ساز
(همان : ۲۵۵)	

Commented [P] ۲۲: بیت پشت متوالی در متن مقاله! حداکثر سه الی چهار بیت شاهد مثال بعد توضیحات، تحلیلات، استدلال‌ها و تبیین نویسنده آنگاه شواهد مثال بعدی

Commented [U] ۲۳: اصلاح شد

Commented [P] ۲۵: در تمام طول مقاله ارجاع درون‌متنی تکرار شده است (همان: ۲۵۵)

Commented [U] ۲۵: اصلاح شد

نکیسا در این روایت در کنار باربد قرار می‌گیرد و اجرایی دو نفره را در مجلس کیخسرو انجام می‌دهند. دو ساز چنگ و عود از آلات موسیقی معرفی شده در این روایت نظامی است. صدای سازهای این دو نوازنده حرفه‌ای چنان است که هوش از سر شنونده می‌برد.

جدول مقایسه ویژگی‌های باربد و نکیسا

به نظر می‌رسد به مانند مقایسه ویژگی‌های شاپور و فرهاد این‌بار بتوان شاخصه‌ها و ویژگی‌های دو نوازنده دربار کیخسرو- باربد و نکیسا- را در جدولی تطبیق داد.

نکیسا	باربد
نوازنده ساز چنگ	نوازنده ساز بربط (عود)
آگاه به ریتم و وزن و هماهنگی در موسیقی	آگاه بدالحان و نغمه‌های بی‌شمار
استادی و مهارت در نوازندگی و آوازخوانی	استادی و مهارت در نوازندگی
موجب رقص ستارگان و سیارات می‌شود.	در یک مجلس موجب برانگیختن طرب و حزن (احساس) می‌شود.
صدای سازش غمگین معرفی شده که پرندگان را نیز محزون می‌کند.	صدای سازش درمان‌گر زخم دل‌هاست.
چالاک در نوازندگی و همراه و مشابه باربد	در ساز و آواز به داوود بنی و حضرت عیسی تشبیه شده است.
نوازنده دربار کیخسرو	نوازنده دربار کیخسرو

مشاهده می‌شود که این دوگانه باربد/نکیسا نیز مکمل و همراه هم معرفی شده‌اند. کنار هم قرار گرفتن سازهای بربط و چنگ و آوازه‌خوانی از نکات جالب توجه مجالس دربار کیخسرو بیان شده است.

از نکات جالب توجه در کنار مهارت و استادی هر کدام از هنرمندان بیان شده در دوگانه‌ها اشاره به یکی از الگوها و رویکردهای مبانی زیبایی‌شناسی عینی است. کلمات موزون، رسم تقطیع، رسامی، مهندس‌مرد، هندسه، مجسطی‌دان و اقلیدس‌گشا از جمله کلمات بیان شده در این‌باره است. مبانی زیبایی‌شناسی عینی بیشتر با قواعد ریاضی و هندسه نزدیک است؛ یعنی در واقع اصول زیبایی‌شناسی عینی بر مبانی هندسی و ریاضی تنظیم شده است. تعادل، توازن، تقارن و تناسب از نمونه معیارهای زیبایی‌شناسی عینی هستند. در هر صورت هر کدام از دوگانه‌ها چه دوگانه هنر دیداری(شاپور/فرهاد) و چه دوگانه شنیداری(باربد/نکیسا) ویژگی‌های هنرمندانه و خلاقیت اجرایی آن‌ها در خلق و تولید اثر منظومه‌ی خسرو و شیرین به نوعی بیان شده است. دو موسیقی‌دان و نوازنده‌ی بی‌همتا که برای رامش‌گری به دربار شاه ساسانی دعوت می‌شوند و این نشان از توان و مهارت بسیار بالای آنان دارد.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت نظامی گنجوی شاعر پارسی‌زبان قرن ششم هجری نیز به مانند هم‌تایان دیگر خود هر چند به‌صورت موردی و یا پراکنده در منظومه‌های خود درباره هنر و هنرمندی مطالبی را سروده است. او در منظومه‌ی زیبای خسرو و شیرین علاوه بر بیان داستان عاشقی خسرو (ولی‌عهد ایران) و شیرین (شاهزاده ارمنی) از چهار هنرمند دربار کیخسرو نام می‌برد. از این چهار هنرمند دوتن به خلق آثار تجسمی و دو تن دیگر به خلق آثار شنیداری مشغول بوده‌اند. بنابراین در این مقاله ویژگی‌های هنرمندانه این چهار هنرمند به‌صورت دوگانه شاپور/فرهاد و باربد/نکیسا مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

دوگانه اول: شاپور و فرهاد

شاپور مشاور خاص کیخسرو است و به او در رسیدن به شیرین کمک می‌کند و فرهاد با دیدن شیرین تنها عاشق و دلباخته او می‌شود. از وجوه تشابه این دو هنرمند در منظومه‌ی مذکور می‌توان به شاگردی کردن هر دو نفر نزد یک استاد چینی، همانند جلوه‌دادنشان با مانی نقاش، خلق آثار واقع‌گرایانه و عین به عین از الگوی طبیعی و واقعی، رعایت اصول زیبایی‌شناسی عینی، مهارت و استادی در خلق اثر نام برد. الگوبرداری از طبیعت و

Commented [P37]: تحلیل، استدلال، تبیین، دست‌بندی و استدلال نتیجه‌گیری تقویت شود

Commented [U27R28]: انجام شد

به عبارت دیگر تقلید جزء به جزء از جهان و امر واقعی از جمله صفات هنرمندان بزرگ در آن دوره بوده است. بنابراین شاعر ضمن اشاره به داستان از مهارت و قوت دست و ذهن هنرمند می‌سراید. از وجوه تفاوت بین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد. شاپور نقاش است و فرهاد پیکرتراش (سنگتراش)؛ شاپور اهل ظرافت در کار و فرهاد قدرت‌مند در سنگ‌تراشی است. شاپور جهان‌گردی پخته و فرهاد فردی فرزانه و با حیاست. شاعر شاپور را فرمانبردارتر از فرهاد معرفی می‌کند. شاپور از ابتدا در دربار کیخسرو حضور دارد و مشاور خاص او به حساب می‌آید؛ اما فرهاد به دربار وابستگی ندارد و فقط بر اساس دستور و آن هم برای شیرین قصری مهیا می‌کند.

دوگانه دوم: بارید و نکيسا

در دوگانه بعدی بارید و نکيسا دو نوازنده دربار کیخسرو هم‌آورد و مکمل هم معرفی شده‌اند. تشابه این دو در نوازندگی، آگاهی به الحان موسیقایی، استادی و مهارت در نوازندگی دانسته شده است. هر دو در دربار باعث برانگیختن احساسات و گریه و خنده حضار می‌شوند. و اما این دو هنرمند تفاوت‌هایی نیز دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. بارید نوازنده بریط و نکيسا نوازنده چنگ است. نکيسا علاوه بر نوازندگی، خواننده آواز نیز هست. در این منظومه به آگاهی نکيسا به ریتم و وزن و هماهنگی در نوازندگی بیشتر اشاره شده است و بارید داندۀ نغمه‌های بی‌شمار معرفی شده است. صدای ساز بارید به آواز داوود پیامبر و نفس عیسی مسیح تشبیه شده است و برای نکيسا از این جنس تشبیه دیده نمی‌شود. به‌طور کل در این منظومه هر چهار هنرمند زمان کیخسرو صاحب استادی، کمال و مهارت در هنر هستند و هر کدام با هنرشان موجب فخر دربار خسرو بوده اند.

منابع و مأخذ:

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۴). از محسوس تا معقول، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

اعوانی، غلامرضا (۱۳۷). حکمت و هنر معنوی، تهران: گروس

تاتارکیه ویچ، ولادیسلاف (۱۳۹۲). تاریخ زیباشناسی، ترجمه سید جواد فندرسکی، جلد اول، تهران: نشر علم

Commented [P39]: احيانا: ترجمه

Commented [U39R40]: اصلاح شد

فضیلت، محمود (۱۳۹۶). اصول و طبقه‌بندی نقد ادبی، چاپ دوم، تهران: زوار

فهیمی‌فر، علی اصغر (۱۳۸۶). تفاوت آرای افلاطون و ارسطو در زیباشناختی هنر، فصلنامه زیباشناخت، بهار، شماره ۱۶ صص ۱۷۳-۱۹۸

کمالی‌زاده، طاهره (۱۳۹۲). مبانی حکمی هنر و زیبایی از دیدگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی، چاپ دوم، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۹۰). کلیات خمسه نظامی گنجوی، تصحیح وحید دستجردی، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ دوم، تهران: نگاه

BESSLER, CHARLES .E (2003). LITRARY CRITICISM. AN INTRODUCTION TO THEORY AND PRACTICE. 3 EDITION. HOUGHTON COLLEGE

LAMARQUE, PETER (2008). AESTHETICS AND LITERATURE: A PROBLEMATIC RELATION. PHILOSOPHICAL STUDIES: AN INTERNATIONAL JOURNAL FOR PHILOSOPHY IN THE ANALYTIC TRADITION, VOL 161, NO 3. ISSN: 00318116

RITTER, DON (2008). THE ETHICS OF AESTHETICS. TRAN SOLISCIP LINARY DIGITAL ART. VOL 5. NO 2.

A Comparative Study of the Artistic Characteristics of the Dualities of Shapur/Farhad and Barbod/Nakisa Based on the Poems of Khosrow and Shirin Nezami

Abstract

In the poem of Khosrow and Shirin, Nezami mentions four artists of Khosrow's court (Shapur/Farhad and Barbod/Nakisa) and considers their position effective and special. The purpose of this study is to compare the position of the four mentioned artists in the poem of Khosrow and Shirin. The necessity of conducting the research was to identify the components related to the artists of the poet's period and the view of that period towards the artists. What are the artistic characteristics of Shapur/Farhad and Barbod/Nakisa in the poems of Khosrow and Shirin? It seems that components such as precision and skill in designing and drawing visual arts and arousing the emotions of the audience are among the artistic characteristics of the artists mentioned in the poem of Khosrow and Shirin. The research method is descriptive-analytical. The method of data collection was library information collection method. The target population of the research is the verses related to the mentioned poem. The verses were analyzed using

qualitative content analysis method. The results showed that Shapur and Farhad came to the aid of Khosrow and Shirin many times artfully and mastery in the field of visual arts. Both were students of the same master. Shapur was a painter and Farhad was a sculptor, Both were realistic. But Barbod and Nakisa knew music. One in playing the lute and the other in the harp were the outstanding musicians of their time. Both of them impressed the moods and manners of the audience many times with their innovative and creative melodies.

Keywords: poem of Khosrow and Shirin. Artist, Shapur, Farhad, Barbod, Nakisa